

ایران و روسیه در دریای خزر: رژیم حقوقی و همکاری‌ها

علی تیزتک^۱

حمید احمدی^۲

چکیده

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، منطقه دریای خزر را از یک موقعیت جغرافیایی محض و آرام خارج نمود و فرصت‌ها و چالش‌های زیادی را به لحاظ ژئوپلیتیک برای ایران و روسیه بوجود آورد. این تحول بنیادین باعث تغییر در مرزهای سیاسی پیرامون دریای خزر گردید و بر رژیم حقوقی این دریا هم تاثیر گذاشت. سیاست‌ها و رویکردهای ایران و روسیه در قبال رژیم حقوقی دریای خزر هم دچار تحول و تغییر اساسی گردید. همزمان با بروز اختلاف نظر و دیدگاه کشورهای ساحلی درباره رژیم حقوقی و نحوه بهره برداری از منابع دریای خزر، زمینه مناسب برای حضور و مداخله قدرتهای فرامنطقه‌ای و بزرگ در دریای خزر فراهم شده بود. در چنین شرایطی، همسوئی سیاست‌های ایران و روسیه برای مدیریت تحولات رژیم حقوقی دریای خزر و جلوگیری از تبدیل دریای خزر به منطقه جدید تنش و همچنین نزدیک نمودن دیدگاه‌ها و مواضع سایر کشورهای ساحلی بسیار مهم و تاثیرگذار بوده است. پرسش اصلی و محوری مقاله حاضر این است که سیاست‌های ایران و روسیه در قبال رژیم حقوقی دریای خزر چه تاثیری بر گسترش همکاری‌های پنج‌جانبه میان کشورهای ساحلی دریای خزر داشته است؟ در مقاله حاضر این فرضیه به آزمون گذاشته می‌شود که سیاست‌های ایران و روسیه در قبال رژیم حقوقی دریای خزر - فارغ از ذهنیت‌های منفی تاریخی گذشته بین دو کشور - به دلایلی همچون پیوستگی جغرافیایی، الزامات منطقه‌ای، سرنوشت مشترک و آسیب پذیری دریای خزر ناشی از حضور قدرت‌های بزرگ و نگرانی از بروز بی‌ثباتی و ناامنی در دریای خزر، بیشتر هم‌گرا بوده و به تقویت همکاری‌ها و انعقاد اسناد مختلف همکاری پنج‌جانبه میان کشورهای ساحلی منجر شده است. مقاله حاضر از نوع تحلیلی - توصیفی و روش مورد استفاده استنتاجی است و داده‌ها با استفاده از منابع اینترنتی و کتابخانه‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی:

دریای خزر، ایران، روسیه، رژیم حقوقی، همکاری.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱

^۱ دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. tiztak11@gmail.com

^۲ استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) hahmadi@ut.ac.ir

مقدمه

قرن نوزدهم میلادی سرآغاز فصل نوین در تاریخ سیاسی دریای خزر می باشد. در نتیجه شکست ایران در جنگ های اول و دوم با روسیه و به موجب عهدنامه های گلستان ۱۸۱۳ و ترکمنچای ۱۸۲۸ میلادی منحصرأ کشتی های جنگی روسیه اجازه داشتند در دریای خزر تردد نمایند و وضعیت حقوقی دریای خزر تا پایان حکومت تزارها مطابق با شرایط مندرج در عهدنامه ترکمنچای بود. با انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه، شرایط در دریای خزر به نفع ایران تغییر پیدا کرد. سپس در عهدنامه مودت ۱۹۲۱ گرچه انحصار کشتیرانی نظامی روسیه در دریای خزر لغو و آزادی کشتیرانی طرفین به رسمیت شناخته شد و معاهده ترکمنچای هم فسخ گردید؛ اما در عمل ایران نتوانست از این تساوی حقوقی بهره مند گردد. قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ که در فاصله سقوط امپراطوری تزار تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق امضاء شده بود، دریای خزر قسمتی از این اسناد را شامل شده و سند مستقل و مجزائی درباره رژیم حقوقی دریای خزر وجود نداشته است.

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق، ژئوپلیتیک منطقه دریای خزر از وضعیت جغرافیائی محض به یک منطقه مهم ژئوپلیتیک تبدیل و زمینه مناسب هم برای نفوذ و حضور قدرت بزرگ به خصوص آمریکا در دریای خزر فراهم شده بود. در این شرایط، همسویی مواضع و دیدگاههای ایران و روسیه برای مدیریت شرایط جدید ژئوپلیتیک در دریای خزر از اهمیت فوق العاده برخوردار بوده است. البته در نخستین سال های پس از فروپاشی شوروی سابق به دلیل اولویت بالای روابط با غرب نزد مقامات کرملین، روسیه جایگاه مناسبی برای ایران و منطقه دریای خزر قائل نبود، اما پس از به قدرت رسیدن پوتین از سال ۲۰۰۰ میلادی، اولویت سیاست خارجی روسیه توجه ویژه به دریای خزر و گسترش تعامل با ایران بوده است. این سیاست روسیه تحت رهبری پوتین تاکنون نیز تداوم یافته است. سیاست ایران نیز طی سی سال گذشته در قبال رژیم حقوقی دریای خزر تاکید بر حفظ ثبات، امنیت، تحکیم همکاری های پنج جانبه در دریای خزر و عدم حضور نیروهای بیگانه در دریای خزر بوده است. اتخاذ چنین سیاست و مواضعی از سوی ایران با مواضع سیاست های روسیه در قبال مسائل دریای همپوشانی داشته است. امضای اسناد مختلف همکاری پنج جانبه راجع به مسائل دریای خزر به خصوص امضای کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر در تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ (۱۲ اوت ۲۰۱۸) به عنوان قانون اساسی دریای خزر و تعیین کننده چارچوب کلی همکاری ها در دریای خزر نقطه عطفی در تقویت

همکاری‌های پنج‌جانبه در قبال مسائل این دریا می‌باشد. ضمناً، کشورهای جدید ساحلی دریای خزر هم طی سال‌های گذشته ضمن تلاش برای حفظ توازن در روابط خود با غرب، نگرانی‌های ایران و روسیه در دریای خزر را مورد توجه قرار داده و تلاش کرده‌اند با اتخاذ سیاست خارجی چند وجهی، در روابط خود با روسیه، ایران، آمریکا و اتحادیه اروپا نوعی توازن و تعادل ایجاد کنند.

چارچوب نظری

نظریه‌های همکاری و همگرایی منطقه‌ای^۱ به دو دسته تقسیم می‌شوند. گروهی از نظریه‌های همکاری و همگرایی، منطقه را فرآیندی تصور می‌کنند که ویژگی‌های موجود کشورهای عضو و نظام بین‌دولتی را که جزئی از آن هستند، باز تولید می‌کند. بعضی دیگر از نظریه‌ها، همکاری را فرآیندی می‌پندارند که سرشت ماهیت بازیگران ملی، دارای حاکمیت و روابط آنها با یکدیگر را دگرگون می‌سازد. به لحاظ معرفت‌شناسی نیز در جمع‌آوری اسناد و مدارک برای پیش و ارزیابی این روندها بعضی از نظریه‌های همگرایی و همکاری منطقه‌ای به طور عمده بر رخدادهای سیاسی مهم تأکید می‌ورزند در حالی که برخی دیگر از آنها مبادلات و ارتباطات مستمر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را مورد تأکید قرار می‌دهند. شاخصه‌ها و پیش‌زمینه‌های همگرایی و همکاری در جهان متنوع و متفاوت هستند؛ اما همه آنها از عوامل و شرایط تقریباً مشابهی برخوردارند که از جمله: جغرافیا، اندازه اقتصاد، تهدیدها و نگرانی‌های مشترک، اشتراک‌های فرهنگی، اراده سیاسی رهبران و ظرفیت‌های موجود می‌توان اشاره نمود. اگر در پرتو دیپلماسی، نیروهای همگرا غالب شوند و منطقه به سوی همگرایی حرکت کند، نوعی ادراک منفعت جمعی میان بازیگران پدید می‌آید و بازیگران به خرد جمعی می‌رسند که دستیابی به اهداف و منافع آنها در پرتو همکاری و ثبات امکان‌پذیر است. بنابراین منطقه به سوی کمال و ثبات و همگرایی و همکاری حرکت می‌کند و زمینه را برای نظام مند کردن همکاری‌های منطقه‌ای فراهم می‌کند. این مسائل در تصمیم‌سازی‌های سیاسی در جهت همکاری منطقه‌ای در دریای خزر بسیار حائز اهمیت است.

در یک ارزیابی کلی از نظریات همکاری، می‌توان بیان داشت، دولت‌های ملی براساس منافع ملی خود گستره همکاری و حوزه اختیارات و صلاحیت‌های نهادهای منطقه‌ای را

^۱. Regional Integration and Cooperation Theory

تعریف و تعیین می‌کنند. از این رو، سرنوشت همکاری‌های منطقه‌ای وابسته به هزینه - فایده اعضای آن است و همکاری تا زمانی که تامین‌کننده منافع ملی اعضا است تداوم، توسعه و تعمیق خواهد یافت. بر این اساس، ضرورت توجه به ارتباطات مستمر اقتصادی و سیاسی، نیازمندی متقابل سیاسی - امنیتی کشورهای یک منطقه خود منجر به مسئولیت پذیری آنها در حفظ ثبات سیاسی و شکل‌گیری همکاری نزدیک در یک منطقه می‌شود. همچنین پیوستگی جغرافیایی، تهدیدهای مشترک پیرامونی، الزامات و نیازهای درون منطقه‌ای و سرنوشت مشترک کشورهای ساحلی دریای خزر ایجاب می‌کند که همکاری میان کشورهای ساحلی دریای خزر گسترش یابد. می‌توان با بهره‌گیری از چارچوب نظری و مفهومی نظریه «نوکارکردگرایی»^۱ ارنست‌هااس^۲ و آثار اندیشمندانی همچون «جوزف نای»^۳ در تحلیل موضوع مقاله بهره برد. اغلب نظریه پردازان و واضعان نظریه فوق برای رفع انتقادها از نظریه همگرایی و همکاری مبنی بر اینکه صرفاً برای اروپا تدوین شده، یک نظریه عام همگرایی و همکاری را ارائه کرده‌اند. زیرا معتقدند شرکت بازیگران خارجی در فرآیند جذب و همگرایی، سازمان‌های بین‌المللی و بازیگران غیردولتی، نقش تسریع‌کننده و تسهیل‌کننده در روند همکاری منطقه‌ای ایفا می‌کنند. «باری بوزان»^۴ نیز با نگاه امنیتی معتقد است، وجود الگوی دوستی و دشمنی میان دولت‌ها و وجود وابستگی متقابل میان کشورهای عضو از ویژگی‌های تشکیل‌دهنده یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای است. بنابراین می‌توان بیان داشت نظریه «نوکارکردگرایی» به دنبال نوعی همکاری است که منطقه را مبنای قرار داده و همکاری را وابسته به فرآیندهای جهانی‌شدن نمی‌نماید و با تاکید بر منافع مشترک و سرایت حوزه‌های همکاری‌های اقتصادی به حوزه‌های سیاسی، چارچوب نظری و مفهومی مناسب برای تبیین همکاری‌های پنج‌جانبه در دریای خزر می‌باشد. زیرا نیاز به همکاری برای رشد اقتصادی و حفظ صلح و ثبات و امنیت در دریای خزر، کشورهای ساحلی این دریا را به یکدیگر بیشتر پیوند می‌دهد.

۱- روسیه و خزر در دوره یلتسین

در سال‌های اولیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق در دهه ۱۹۹۰ در دوره ریاست جمهوری یلتسین رهیافت روسیه در مناطق آسیای مرکزی، قفقاز و دریای خزر تا حد زیادی منبعث از سیاست‌های گذشته در دوران اتحاد شوروی سابق بود و توجه جدی به

1. Neofunctionalism

2. Ernest B. Haas

3. Joseph Nye

4. Barry Buzan

این مناطق نمی‌شد. در این زمان سیاست خارجی روسیه در دستان افرادی همچون آندره کوزیرف^۱ بود که به پیروی از سیاست آتلانتیک گرائی یا غرب‌گرایی مشهور بودند. این افراد به کشورهای جدید مستقل مشترک‌المنافع به عنوان اولویت در سیاست خارجی نگاه نمی‌کردند. ولی از میانه دهه ۱۹۹۰ تغییر در سیاست خارجی روسیه آغاز شد و اوراسیا گرایان به تدریج پست‌های مهمی را در کرملین اشغال کردند. طرفداران این دیدگاه برای کشورهای جدید مشترک‌المنافع توجه و حقوق ویژه‌ای قائل بودند و حتی امید داشتند که وحدت مجددی بین کشورهای مزبور با روسیه برقرار شود. حتی روسیه در این مقطع تلاش می‌کرد تا دریای خزر به عنوان دریاچه داخلی ارزیابی شود و در ابتدا از طرح تقسیم دریا بر مبنای مرزهای جمهوری‌های شوروی به مناطق ملی مخالفت کرد. یکی از دلایل مخالفت روسیه با این طرح آن بود که با تقسیم دریای خزر به مناطق ملی، حضور و سیطره روسیه در تمام دریای خزر از بین می‌رفت و سهم روسیه از منابع بستر و زیر بستر ناچیز می‌شد و در عین حال این نگرانی هم در مقامات روسیه وجود داشت که اگر روسیه نظر سایر کشورهای جدید حوزه دریای خزر را لحاظ نکند، نهایتاً پای قدرت‌های مخالف روسیه به دریای خزر باز می‌شود و امنیت و منافع روسیه را به خطر می‌اندازند. این مخالفت روسیه با تقسیم دریای خزر به مناطق ملی تا سال ۱۹۹۶ ادامه پیدا کرد (امیر احمدیان و گودرزی، ۱۳۸۹: ۱۰۹-۱۱۱). این موضع روسیه در اواسط دهه ۹۰ و اوائل دهه ۲۰۰۰ بیش از اینکه مبتنی بر ملاحظات حقوقی باشد، مبتنی بر ملاحظات ژئوپلیتیک و امنیتی بوده است (Saivetz, 2000: 2). در چنین شرایطی روسیه مشاهده کرد که قادر به جلوگیری از روند تقسیم دریا به مناطق ملی نخواهد بود، در ۱۲ نوامبر ۱۹۹۶ ابتدا پیشنهاد نمود که یک منطقه انحصاری اقتصادی به طول ۴۵ مایل دریائی برای هر کشور در نظر گرفته شود و منابع موجود در ورای آن با ایجاد یک شرکت مشترک بهره‌برداری شود. کشورهای ساحلی دریای خزر بخصوص جمهوری آذربایجان با این پیشنهاد روسیه موافقت نکردند. در سال ۱۹۹۷ با افزایش تدریجی نفوذ غرب در دریای خزر، یلتسین رئیس‌جمهور وقت روسیه نسبت به اقدامات آمریکا به منظور تحت نفوذ قراردادن کشورهای حوزه خزر و تهدید منافع روسیه هشدار داد. بدنبال این هشدار، یوگنی پریماکف^۲ وزیر امور خارجه وقت، برنامه روسیه برای ایجاد توازن قوا در جهان و تبدیل روسیه به یک قدرت بزرگ را اعلام کرد و برای رسیدن به این هدف لازم بود روسیه کنترل دوباره خود را بر جمهوری تازه استقلال یافته

^۱. Andrei Koziyrov

^۲. Yevgeny Primakov

شوروی سابق و به خصوص حاشیه دریای خزر برقرار سازد. در همین دوره، تقویت همکاری با کشورهای مخالف سیاست های آمریکا برای جلوگیری از نفوذ غرب در منطقه، تشویق و تحت فشار قراردادن کشورهای ساحلی دریای خزر برای گسترش بیشتر روابط با مسکو و جلوگیری از انتقال منابع انرژی خارج از کنترل روسیه، به عنوان اولویت های اصلی و محوری سیاست خارجی فدراسیون روسیه مطرح گردیدند.

همزمان با پیگیری سه هدف مذکور، به تدریج تغییراتی در موضع روسیه در اواخر دهه ۱۹۹۰ بوجود آمد و نهایتاً در ابتدای سال ۱۹۹۸ بحران مالی در روسیه و کشف منابع نفتی در نزدیک سواحل روسیه دریای خزر موجب شد که روسیه موضع خود را تغییر دهد و در یک چرخش موضع یک جانبه در ژوئیه ۱۹۹۸ به همراه قزاقستان موافقتنامه ای را به امضاء رساند تا اختلافات خود با این کشور در دریای خزر حل کند. طبق این موافقتنامه مناطق کف بخش شمالی دریای خزر را به بخش روسی و قزاقی تقسیم کردند. سپس به علت اختلاف روسیه و قزاقستان در خصوص تعیین مرزهای دریائی و عدم تصویب قرارداد منعقد شده در سال ۱۹۹۸ در مجلس دومای روسیه، در سال ۲۰۰۰ میلادی نیز بیانیه مشترکی از سوی روسای جمهور دو کشور امضاء شد و در این بیانیه روسیه از موضع قبلی خود عقب نشینی کرده و به جای تقسیم بستر و مشاع سطح دریا به حاکمیت بر منابع اشاره نموده است. در ادامه این توافق ها در سال ۲۰۰۱ روسیه موافقتنامه مشابهی با جمهوری آذربایجان به امضاء رساند. بعد از آن در سال ۲۰۰۳ میلادی موافقتنامه سه جانبه ای بین روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان منعقد گردید که براساس آن ۲۷ درصد بستر دریا به قزاقستان، ۱۹ درصد به روسیه و ۱۸ درصد به جمهوری آذربایجان در نظر گرفته شد و اعلام گردید سطح دریا برای استفاده مشترک همچنان باز خواهد بود (tafazzoli:2021:4). در این هنگام روسیه در برابر ایران سیاست دوگانه‌ای را در قبال رژیم حقوقی دریای خزر در پیش گرفت و ایران را تنها گذاشته بود. البته ترکمنستان در این زمینه موضع مشخصی نداشت و تقریباً با آنها همراه بود. روسیه در عین حال که سیاست خود مبنی بر تقسیم بستر دریای خزر را به پیش می برد، مخالفت صریح خود را با دیدگاه ایران و ترکمنستان هم ابراز نمی کرد و پس از امضای موافقتنامه های مذکور حتی تلاش می کرد که دیدگاه خود را بر ایران و ترکمنستان تحمیل نماید (امیر احمدیان و گودرزی، ۱۳۸۹:۱۱۳). روسیه بدنبال آن بوده است که در اولویت اول مشکلات با همسایگان خود را حل و فصل کند و سپس همین ایده تقسیم بستر و زیر بستر را به کشورهای جنوب دریای خزر هم تسری دهد ولی در این راه موفق نشد.

لازم به ذکر است در این رابطه از سال ۱۳۸۰ بیش از ۲۰ دور مذاکره دوجانبه بین ایران با جمهوری آذربایجان و بیش از ۱۵ دور مذاکره دوجانبه با ترکمنستان در خصوص تحدید حدود بستر و زیر بستر به منظور بهره مندی از منافع اقتصادی برگزار شده و این مذاکرات به دلیل اختلاف نظرهای موجود متوقف شده است. در حال حاضر مطابق کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر به منظور تحدید حدود بستر و زیر بستر، کشورهای مقابل و مجاور بایستی از طریق مذاکره به توافق برسند که هنوز مذاکرات مربوطه آغاز نشده است.

بدین ترتیب اولویت نگاه به غرب در دوران یلتسین در ابتدا سبب شده بود روسیه در سیاست خارجی خود نسبت به مسائل دریای خزر توجه آن چنان نداشته باشد و نسبتاً سیاست انفعالی، کم تحرک و بدون توجه به اولویت این منطقه را دنبال می کرد. در اواخر دوران یلتسین اگرچه سیاست روسیه در دریای خزر کمی با تحرک همراه شده بود ولی در پایان زمامداری یلتسین، موقعیت روسیه در منطقه به شدت تضعیف و نگرش اکثر همسایه‌ها نسبت به روسیه منفی شده بود و این کشورها علت و منبع بی ثباتی در منطقه را روسیه می دانستند. این امر نه تنها به جهت مناقشه در چچن بلکه به خاطر عدم تمایل روسیه در کمک به حل و فصل اختلافات منطقه هم بود. در برخی موارد حتی روسیه به این امر متهم گردید که از این اختلافات به عنوان ابزاری جهت نمایش قدرت و توانمندی خود در منطقه بهره می جوید (نجفی اسفاد، ۱۳۹۳: ۳۴۹).

۲- روسیه و خزر در دوره پوتین

از ابتدای روی کار آمدن ولادیمیر پوتین به عنوان رئیس جمهور روسیه در مارس ۲۰۰۰ و در آوریل همان سال در جلسه شورای امنیت این کشور، موضوع دریای خزر به عنوان یکی از دو موضوع جدی در دستور کار این شورا قرار گرفت و سیاست خارجی روسیه نسبت به مسائل دریای خزر دچار تغییرات بنیادین شد و با تعیین نماینده ویژه در امور دریای خزر تحرک ویژه ای در این بخش از سیاست خارجی این کشور بوجود آمد. ابتکار پوتین رئیس جمهور روسیه با ایجاد تحول در سیاست ژئوپلیتیک روسیه به یک برنامه عمل گرایانه در رویکرد آن کشور نسبت به دریای خزر همراه بود و این مسئله تأیید شد که تلاش های زمامداری قبلی به تحت فشار قراردادن ژئوپلیتیک همسایگان دریای خزر به کاهش نفوذ روسیه در منطقه دریای خزر منجر گردیده است. همچنین سیاست قبلی روسیه در دوران یلتسین توان رقابتی شرکت های روسی در دریای خزر را از بین برده بود. لذا سیاست کسب

منافع نفتی راهبردی روسیه در دریای خزر در این دوره پذیرفته شد و شرکت های نفتی روسیه مشتاقانه از این تغییر سیاست استقبال کردند (نجفی اسفاد، ۱۳۹۳:۳۶۷). در این مقطع، مسکو پس از شروع اکتشاف منابع انرژی در این دریا و هجوم شرکت های غربی دو اقدام موازی از خود نشان داد، اول تاکید بر قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بین ایران و شوروی سابق که تضمین کننده حضور فیزیکی و بدون محدودیت شناورهای نظامی و غیر نظامی روسیه در این دریا بود و دوم کوشش بی وقفه و همراه با موفقیت جهت حضور شرکت ها و کنسرسیوم های نفتی و گازی خود جهت بهره برداری از منافع دریای خزر بود (موسسه بین المللی مطالعات دریای خزر، ۱۳۸۷:۲۲). در نتیجه استراتژی سیاست خارجی روسیه در جولای سال ۲۰۰۰ یک شرکت مشترک متشکل از لوک اویل^۱، گاز پروم^۲ و یوکوس^۳ برای توسعه میادین نفت و گاز دریای خزر شکل گرفت (Saivets, 2000:2). همزمان در ژوئن سال ۲۰۰۰ با اعلام سیاست خارجی نوین روسیه به رهبری پوتین، حل و فصل وضعیت حقوقی دریای خزر نیز در کانون توجه سیاست خارجی روسیه قرار گرفت. از دید روسیه شفاف سازی و روشننگری درباره وضعیت حقوقی دریای خزر، کشورهای حاشیه آن را قادر خواهد ساخت تا هر یک از طرف ها مزایای همکاری در استفاده از منابع منطقه و با رعایت اصل انصاف و با مد نظر قرارداد منافع مشروع طرف دیگر بهره مند شوند. در واقع از آوریل ۲۰۰۰ به بعد تاکنون تلاش های دیپلماتیک روسیه عمدتاً بر آن متمرکز گردیده تا رژیم حقوقی دریای خزر زودتر روشن شود. در این مقطع تاریخی، راهبرد روسیه برای حل و فصل مسئله رژیم حقوقی دریای خزر با دو محور اساسی در دستور کار قرار گرفت:

الف- موضع روسیه در خصوص وضعیت حقوقی دریای خزر: باید به وضوح بیان و پیشنهادات جدید برای حل اختلافات مرزی بین دولت های ساحلی ارائه گردد. با اجرای دیپلماسی فعال توسط نماینده وقت رئیس جمهور روسیه در امور دریای خزر اقدامات دوجانبه با هر یک از دولت های آن به منظور مصالحه در مناطق متنازع فیه صورت گرفت. به منظور حصول اتفاق آراء میان پنج کشور با رویکردی گام به گام و از طریق توافق دوجانبه و به تدریج اقدام گردید. این روند همچنان از سوی نماینده رئیس جمهور روسیه در امور دریای خزر دنبال می شود.

^۱. Lukoil

^۲. Gazprom

^۳. Yukos

ب- تغییر نگرش در موضع روسیه در ارتباط با وضعیت حقوقی دریای خزر: در اوائل دهه ۱۹۹۰ روسیه به منابع نفتی منطقه به عنوان یک هدف نمی نگریست بلکه به عنوان ابزاری در دستیابی به اهداف ژئوپلیتیک می نگریست که همه منطقه را تحت سیطره و نفوذ روسیه قرار دهد. به همین دلیل روسیه در تعیین وضعیت حقوقی دریای خزر از اصل مشاع بودن حمایت می کرد که طبق آن تمام دولت های ساحلی باید از کل منابع دریای خزر و به طور مشترک بهره مند گردند و اصل مصرح در معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ در استفاده مشترک باید به استفاده از منابع تسری داده شود. سایر کشورها به خصوص جمهوری آذربایجان با این ایده روسیه به شدت مخالف بودند. برخی تحلیل گران عقیده دارند که روسیه چنین موضعی را اتخاذ کرد تا در روند اخذ تصمیم توسط هر پنج کشور ساحلی دریای خزر تاخیر شود و به لحاظ وجود خلاء قانونی مانعی برای سرمایه گذاری شرکت های نفتی خارجی ایجاد گردد؛ هر چند تحقق چنین رابطه ای مد نظر بوده لکن در عمل نتیجه مخالف را به بار آورد (نجفی اسفاد، ۱۳۹۳: ۳۵۲). به هر حال هدف اصلی سیاست روسیه در دوران پوتین از ابتدای سال ۲۰۰۰ میلادی تا سال ۲۰۲۲ میلادی در قبال رژیم حقوقی دریای خزر؛ اولاً تلاش برای حل و فصل مشکلات و اختلافات با کشورهای همسایه خود قزاقستان و جمهوری آذربایجان و تثبیت مواضع روسیه در خصوص نحوه تقسیم بندی مناطق دریائی و تحدید حدود بستر و زیر بستر مناطق شمالی کف دریای خزر به منظور بهره مندی از منافع اقتصادی دریا و ثانیاً حفظ و تقویت ثبات و امنیت در دریای خزر، جلوگیری از تبدیل شدن دریای خزر به منطقه جدید تنش و ممنوعیت حضور نیروهای نظامی بیگانه در دریای خزر بوده است. همچنین روسیه به منظور احیای هر چه بیشتر نفوذ خود در دریای خزر سه سیاست عمده دیگر حداکثر کردن نقش شرکت های نفتی روس در دریای خزر، کنترل بر ترانزیت انرژی این منطقه و جلوگیری از بهره برداری یک جانبه در این دریا را دنبال کرده است. استراتژی روسیه در منطقه دریای خزر گسترش همه جانبه همکاری های اقتصادی و امنیتی و همسو نمودن کشورهای حاشیه دریای خزر با خود بوده است. به همین دلیل در اواخر دهه ۹۰ میلادی با شروع تغییرات ژئوپلیتیک در منطقه و اجرای طرح های نفت و گاز در دریای خزر روسیه در موضع خود تجدید نظر کرد (Pritchins, 2019:3) و سیاست دوگانه ای را در دریای خزر اتخاذ نمود و ضمن حمایت از موضع مشاع، تقسیم بستر دریای خزر براساس خط میانی اصلاح شده که به صورت برابر از نقاط مقابل کشیده میشود را مطرح نمود.

می توان اذعان نمود پوتین با اتخاذ سیاست های واقع گرایانه و تعریف جدید از منافع سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی روسیه، جایگاه این کشور را در نظام بین الملل بازتعریف و احیا نمود. روسیه در سال های اخیر به مفهوم امنیت و توسعه آسیایی و نگاه به شرق در قالب منطقه گرایی و توجه بیشتر به ملت های پیرامون خود اهمیت بیشتری می دهد (برزگر، روزنامه شرق، ۲۲ آبان ۱۴۰۰). هدف اصلی راهبرد جدید روسیه پرهیز از رقابت و تخصیص منابع و امکانات کشور در امر توسعه و بازسازی اقتصاد داخلی و گرفتن سهم مناسب و مطلوب در اقتصاد بین الملل و مشارکت روسیه در حل و فصل موضوعات بین المللی بوده است. طبق این راهبرد روس ها به این نتیجه رسیده اند که مقدمات و امکانات رویارویی دائمی و مستمر در همه عرصه ها و مناطق با آمریکا را ندارند و به جای آن بهتر است که امکانات و انرژی خود را صرف اولویت های مهم خود کنند. بنابراین روس ها ضمن مشارکت در برنامه ها و پروژه های اقتصادی دریای خزر، به جای رویارویی با قزاقستان و جمهوری آذربایجان و سوق دادن آنها به همکاری بیشتر با آمریکا ترجیح داده اند که مرزهای دریائی خود را با این دو کشور در دریای خزر در چارچوب موافقتنامه های دوجانبه و سه جانبه مشخص کنند. پوتین در جلسه شورای امنیت این کشور در آوریل ۲۰۰۰ خواستار افزایش فعالیت های روسیه در دریای خزر شد و تاکید کرد که دریای خزر نباید منطقه دیگری برای رویارویی با دیگران باشد (امیر احمدیان و گودرزی، ۱۳۸۹:۱۱۶). این سیاست و تاکید تاکید پوتین بر تحکیم موقعیت روسیه در دریای خزر نقطه عطف تحول و تحرک جدی این کشور در قبال رژیم حقوقی دریای خزر بوده و چنین نگرشی تا سال ۲۰۲۲ هم تداوم دارد. پوتین همچنین تاکید کرد که توجه سایر کشورها مانند ترکیه، آمریکا، انگلستان به دریای خزر یک مسئله اتفاقی نیست بلکه نشان می دهد که روسیه در دریای خزر فعال نیست (Saivetz, 2000: 1-3). روسیه معتقد است دریای خزر به دلیل وجود منافع ژئوپلیتیک، منافع سیاسی، منافع اقتصادی و منافع زیست محیطی نیازمند توجه ویژه می باشد و باید حفظ شود و در صورت عدم توجه به آن می تواند بر ثبات منطقه ای و جهانی تاثیر منفی بگذارد (Timothy, 1999: 1). با توجه به این ملاحظات و نگرانی ها، روسیه تلاش نمود نقش خود را به عنوان یک بازیگر فعال و توانمند در منطقه دریای خزر ارتقا بخشد. روسیه تحت رهبری پوتین در سال ۲۰۰۰ ایده قدرت بزرگ هنجارمند را دنبال کرد و به دنبال احیای عظمت و اقتدار شوروی سابق بود (کولابی و نوری، ۱۳۸۰: ۱).

آقای پوتین در پیامی به پارلمان روسیه در سال ۲۰۰۵ و نیز در مصاحبه ای با یکی از خبرگزاری های روسیه ، فروپاشی شوروی را بزرگترین فاجعه ژئوپلیتیک قرن بیست دانسته بود. در این دوره دیدگاه پوتین درباره تلاش برای ایجاد جهان چند قطبی و جلوگیری از گرایش تک قطبی که از سوی آمریکا رهبری می‌شد به روشنی در سند استراتژی سیاست خارجی روسیه در سال ۲۰۰۰ بیان شده است. روسیه در این زمان متوجه ضرورت مشارکت همه کشورهای ساحلی دریای خزر شد و سعی کرد رویکرد تعاملی اتخاذ و رابطه خوبی را با کشورهای ساحلی به خصوص با ایران برقرار کند. این سیاست راهبردی روسیه در دوره پوتین در قبال رژیم حقوقی دریای خزر به همین شکل تا سال ۲۰۲۲ میلادی تداوم داشته و تقویت شده است. در همین رابطه ، استفان والت^۱ ، اندیشمند حوزه روابط بین الملل گفته است روسیه و ایران به آرامی مشارکت راهبردی خود را از سال ۲۰۰۰ توسعه داده اند که بخشی از آن در پاسخ به نفوذ در حال گسترش آمریکا در منطقه دریای خزر بوده است. "والت" همچنین تاکید می کند که روسیه و ایران تلاش مشترک را برای محدود کردن نفوذ آمریکا و متحدانش آغاز کرده اند. همکاری‌های ایران و روسیه پاسخ راهبردی به تلاش های آمریکا برای توسعه نفوذ خود در منطقه خزر از راه همکاری با ترکیه، گرجستان، جمهوری آذربایجان و ازبکستان است. (حسینی و شیراوند، ۱۳۹۸:۱۳۷). دریای خزر به دلیل قرار گرفتن در مسیر کریدورهای شمال- جنوب و شرق به غرب و وجود ذخائر انرژی سرشار مورد توجه سرمایه گذاران و کشورهای قدرتمند است؛ زیرا بنا بر ارزیابی های موجود پس از مناطق خلیج فارس و سیبری، دارای بزرگ‌ترین منابع نفت و گاز شناخته شده دنیا می‌باشد(بهمنی، ۱۳۸۹:۸) ضمن اینکه این دریای خزر یکی از نقاط استراتژیک و آسیب پذیر ایران و روسیه می‌باشد و به همین دلیل بسیار مورد توجه سایر قدرت‌ها می‌باشد.

۳- سیاست خزری ایران

منطقه دریای خزر تا قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سطح تماس و تعادل قدرت های جهانی قرار داشت و آرامش بر آن حکم فرما بود ولی پس از تحول در ساختار قدرت های جهانی از توازن ژئوپلیتیک خارج شد. (صمدزاده، حافظ نیا و احمدپور، ۱۳۹۹:۹۰). در نتیجه فروپاشی شوروی سابق، ژئوپلیتیک منطقه دریای خزر دچار تغییرات اساسی و زمینه برای نفوذ و حضور قدرت و شرکت های بزرگ نفتی در دریای خزر فراهم شد و برای

^۱. Stephen Walt

استخراج نفت و گاز این دریا سرمایه گذاری های کلانی نمودند (رحمانی فضلی، ۱۳۸۴: ۴۸). به دلیل آشفتگی و مشخص نبودن وضعیت حقوقی دریای خزر، دو کشور جمهوری آذربایجان و جمهوری قزاقستان اقدام به انعقاد قراردادهایی با چند کنسرسیوم نفتی نموده اند. اقدامات کشورهای مذکور موجب اعتراض ایران و روسیه شد. جمهوری اسلامی ایران در اعتراض به اقدامات این دو کشور اعلام نمود دریای خزر یک پهنه آبی منحصر به فرد است و منابع آن برای دولت های ساحلی جنبه حیاتی دارد و همه دولت ها در استفاده از منابع و حفظ محیط زیست دریا مسئولیت مشترک دارند. همچنین رژیم حقوقی دریای خزر براساس قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ و نامه های متبادله، دریای خزر «دریای ایران و شوروی» می باشد. دو کشور از حق انحصاری ماهیگیری در کمر بند ۱۰ مایلی ساحلی خود برخوردار هستند و ماهیگیری در سایر نقاط دریا هم برای اتباع دو طرف متعاقد، مجاز می باشد (ممتاز و میرزائی ینگجه، ۱۳۸۰: ۱۳). ایران معتقد بوده است مسئله رژیم حقوقی دریای خزر باید به اتفاق آراء کشورهای ساحلی این دریا حل و فصل شود و هرگونه اقدامی بدون توافق پنج کشور ساحلی دریای خزر مردود می باشد (بیژنی، ۱۳۸۱: ۱۳۴). ایران در کنار روسیه معتقد بوده است دریای خزر مشمول کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ نمی باشد و باید رژیم حقوقی خاصی بر این دریا وضع گردد. این دیدگاه ایران مورد قبول روسیه و بقیه کشورهای ساحلی به جز جمهوری قزاقستان بود (ممتاز و میرزائی ینگجه، ۱۳۸۰: ۱۰).

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و از بین رفتن نظام دوقطبی فرصت ها و چالش های زیادی را در منطقه وسیع دریای خزر برای جمهوری اسلامی ایران در زمینه های سیاسی، اقتصادی و امنیتی بوجود آورد. این تحول بنیادی مرزهای سیاسی در نزدیکی ایران را تغییر داده و با توجه به افزایش کشورهای ساحلی دریای خزر از دو به پنج کشور و طرح نظرات مختلف در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر، ایران هم در سیاست ها و مواضع اعلامی خود همواره بر معتبر بودن معاهده ۱۹۲۱ و قرارداد ۱۹۴۰ تا حصول توافق جدید در خصوص رژیم حقوقی این دریا، رژیم مشاع به عنوان بهترین گزینه رژیم حقوقی آبی دریای خزر، پرهیز از اقدامات یکجانبه بویژه فعالیت در مناطق نفتی مورد اختلاف، تقسیم بستر و زیر بستر و سهم بیست درصدی، اصل اتفاق آراء در کلیه تصمیمات دریای خزر، ممنوعیت حضور نیروهای نظامی کشورهای غیر ساحلی و حفاظت از محیط زیست و منابع زنده دریای خزر تاکید داشته است. البته قابل ذکر است که هدف ممنوعیت حضور و ورود نیروهای نظامی غیر ساحلی در دریای خزر، ممنوعیت ورود نیروهای نظامی کشورهای غربی به

دریای خزر می‌باشد (Weitz, 2021:1). این مسئله مهم در ماده ۳ کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر درج شد و همچنین در بیانیه مشترک ششمین اجلاس سران کشورهای ساحلی دریای خزر که در تاریخ ۸ تیرماه ۱۴۰۱ در ترکمنستان برگزار گردید، مجدداً مورد تأیید قرار گرفته است.

جمهوری اسلامی ایران در اوائل سال‌های بعد از استقلال کشورهای جدید در حاشیه دریای خزر اعلام کرد که تکمیل رژیم حقوقی دریای خزر باید به استناد قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ باشد. براین اساس اولویت اول ایران مشاع دریا است و اگر چهار کشور دیگر مشاع را قبول ندارند ایران تقسیم کامل را می‌پذیرد مشروط بر آن که اصل انصاف رعایت گردد و سهم ایران از کل دریای خزر ۲۰ درصد خواهد بود (موسوی، ۱۳۸۸:۶). جمهوری اسلامی ایران به دلیل مخالفت هائی که با رژیم مشاع مخصوصاً از سوی جمهوری آذربایجان و جمهوری قزاقستان صورت گرفته بود و نیز به دنبال اقدام‌های یک جانبه روسیه در انعقاد قراردادهای دوجانبه و سه جانبه با دو کشور یاد شده طی سال‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۰ شمسی (سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ میلادی) که حاکی از پذیرش اصل تقسیم بستر توسط دولت روسیه بود، ایران به ناچار سیاست خود را تغییر داده و خواهان تقسیم دریا به طور مساوی ۲۰ درصد (تقسیم ۲۰ درصد بستر و زیر بستر و مشاع سطح آب) بین پنج کشور ساحلی گردید (امیراحمدیان و گودرزی، ۱۳۸۹:۸۹). این پیشنهاد ایران هم مورد استقبال سایر کشورهای ساحلی قرار نگرفت و نهایتاً ایران مجبور شد به صورت رسمی به سایر کشورهای ساحلی اعلام کند تا تعیین رژیم حقوقی جدید دریای خزر از محدوده ۲۰ درصدی خود حراست و حفاظت خواهد کرد و به هیچ کشور ساحلی اجازه اکتشاف و بهره برداری در این محدوده را نخواهد داد.

از دیگر اهداف و سیاست‌های ایران در دریای خزر ممنوعیت حضور نیروهای خارجی در خزر و حفظ ثبات و امنیت و غیر نظامی ماندن این دریا بوده است. ایران و روسیه در خصوص ضرورت عدم حضور واشنگتن و ناتو و سایر قدرت‌های خارجی در دریای خزر با یکدیگر مواضع مشترک و همسو دارند و نسبت به هرگونه حضور آنها در دریای خزر بدبین هستند (Timothy, 1999:2). البته ممنوعیت حضور نیروهای نظامی بیگانه در دریای خزر در عهدنامه مودت ۱۹۲۱ میان ایران و شوروی سابق وجود دارد و در ماده ۳ کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر مجدداً تأکید شده است. جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات مربوط به مسائل دریای خزر با کشورهای ساحلی این دریا بر دو موضوع اصلی و محوری همواره تأکید داشته است. نخست تأکید بر «دریای صلح و ثبات و همکاری» و دیگری، بهره

برداری مشاع یا تقسیم دریا به بخش های مساوی (تقسیم عادلانه). قراردادهای دوجانبه تقسیم بستر دریای خزر شرایط موضع ایران را دشوارتر نمود. بطوری که ویکتور کالیوژنی نماینده ویژه وقت روسیه در امور دریای خزر صراحتاً سیاست ایران را « غیر عملی » اعلام کرد (موسسه بین المللی مطالعات دریای خزر، ۱۳۸۷: ۲۳).

۴- بررسی ابعاد و اسناد همکاری های پنج جانبه در دریای خزر

با توجه به ابعاد بحث و چارچوب نظری مقاله مبنی بر این که «نوکارکردگرائی» به دنبال نوعی همکاری است که منطقه را مینا قرار می دهد و همکاری را وابسته به فرآیندهای جهانی شدن نمی نماید (سیمبر، افشاریان، ۱۳۹۹: ۷۵-۷۷)، اسناد مختلف همکاری پنج جانبه میان کشورهای ساحلی دریای خزر در زمینه های مختلف این دریا منعقد گردیده اند که به آنها به شرح ذیل اشاره می گردد. بدیهی است که ایجاد و تحکیم مبانی حقوقی لازم برای همکاری پنج جانبه در دریای خزر بستر مناسب را برای توسعه و گسترش مناسبات منطقه ای در دریای خزر فراهم می سازد. در همین خصوص بایستی به نقش بی بدیل و با اهمیت سیاست های ایران و روسیه در قبال رژیم حقوقی دریای خزر و همسویی و همگرایی مواضع دو کشور در این زمینه برای مدیریت تحولات دریای خزر با هدف تحکیم صلح و ثبات و امنیت و گسترش همکاری پنج جانبه در دریای خزر اشاره نمود.

الف- همکاری در حوزه حمل و نقل و کشتیرانی در دریای خزر: براساس توافقات

روسای جمهور کشورهای ساحلی در چهارمین اجلاس سران دریای خزر در آستراخان روسیه در سال ۲۰۱۴ و پیشنهاد ترکمنستان، مذاکرات مربوطه به تدوین موافقتنامه ای در زمینه همکاری های حمل و نقلی در دریای خزر آغاز شد. این سند پس از چندین دور مذاکره با میزبانی ترکمنستان، با عنوان موافقتنامه بین دولتهای ساحلی دریای خزر در زمینه حمل و نقل، نهایی و در پنجمین اجلاس سران خزر در سال ۱۳۹۷ به امضای مقامات ذیصلاح رسید. این موافقتنامه در مراجع داخلی همه کشورهای ساحلی به تصویب نهایی رسیده است و لازم الاجراء می باشد. کشورهای ساحلی دریای خزر مطابق مقررات این موافقتنامه، در زمینه موارد ذیل با یکدیگر همکاری خواهند نمود: توسعه بیشتر خدمات حمل و نقل دریایی، جادهای، ریلی، هوایی و چندوجهی؛ تدابیری برای تسهیل توسعه نقل و انتقال بار میان دولتهای ساحلی دریای خزر؛ توسعه نقل و انتقال مسافر و تضمین ایمنی و امنیت

مسافر و کالا؛ همکاری راجع به آموزش و ارتقای مهارت‌های متخصصان حرفه‌ای حمل و نقل؛ مساعدت در ایجاد مراکز حمل و نقل و پشتیبانی در مسیرهای کلیدی نقل و انتقال مسافر و بار؛ توسعه دالان‌های بین‌المللی حمل و نقل؛ توسعه، نوسازی و یکپارچه‌سازی زیرساخت حمل و نقل در منطقه؛ ساده‌سازی تشریفات صدور روادید، اداری، گمرکی و سایر روندهای کنترلی؛ کاهش تأثیرات منفی حمل و نقل بر محیط زیست. همچنین وزرای حمل و نقل کشورهای ساحلی دریای خزر، تاکنون چهار اجلاس به ترتیب در باکو (آوریل ۲۰۰۹)، آستراخان (آگوست ۲۰۱۴)، تهران (دسامبر ۲۰۱۵) و ترکمنباشی (آگوست ۲۰۱۹) برگزار کرده‌اند. در پایان کار هر یک از این اجلاس‌ها، بیانیه مشترک وزراء صادر شده است.

ب- همکاری در زمینه حوادث و شرایط اضطرار در دریای خزر: کشورهای ساحلی دریای خزر در راستای گسترش همکاری منطقه‌ای در شرایط اضطراری و پیشگیری از حوادث، تاکنون دو سند همکاری به شرح ذیل منعقد نموده‌اند:

- موافقتنامه همکاری در زمینه پیشگیری و واکنش به وضعیت اضطرار در دریای خزر: پیش نویس این سند بنا به ابتکار ترکمنستان، تهیه و به کشورهای ساحلی ارائه شده بود. مذاکرات مربوط به این موافقتنامه به میزبانی این کشور برگزار و سرانجام در چهارمین اجلاس سران خزر در آستراخان در سال ۲۰۱۴ به امضای مسئولین ذیربط کشورهای ساحلی دریای خزر رسید. این سند در سال ۱۳۹۶ لازم‌الاجرا شده است. براساس مقررات این موافقتنامه، کشورهای ساحلی در زمینه موارد ذیل، همکاری خواهند نمود: ایجاد و ارتقای سیستم تعامل در حوزه پیشگیری و واکنش به وضعیت اضطرار؛ تعامل طرف‌ها در مورد پیش‌بینی و نظارت بر وضعیت اضطرار؛ اطلاع‌رسانی (هشدار) (در مورد خطر بروز وضعیت اضطرار)؛ امداد رسانی در مورد رفع وضعیت اضطرار؛ مساعدت لازم برای تجهیز گروه‌های امداد رسان؛ تبادل تجربه در زمینه سازماندهی و عملکرد مناسب در وضعیت اضطرار؛ تبادل اطلاعات، ادبیات علمی- فنی، دستاوردهای تحقیقاتی و تکنولوژی در حوزه پیشگیری و واکنش به وضعیت اضطرار؛ برگزاری کنفرانس‌های مشترک، جلسات کاری، جلسات آموزشی، تمرین و نمایشگاه‌های تخصصی؛ آموزش تخصصی و ارتقاء کارشناسان در موسسات آموزشی، تبادل کارآموز، استاد، متخصص و کارشناس؛ فعالیت‌های دیگر در حوزه پیشگیری و واکنش به وضعیت اضطرار بر طبق توافق طرف‌ها.

- موافقتنامه پیشگیری از حوادث در دریای خزر: پیش نویس این موافقتنامه، توسط فدراسیون روسیه به کشورهای ساحلی ارائه شده بود. مذاکرات این سند در چندین نوبت به میزبانی این کشور برگزار و سرانجام در پنجمین اجلاس سران خزر در تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ به امضای مقامات صلاحیتدار کشورهای ساحلی رسید. این سند، در حال طی مراحل تصویب در مراجع داخلی کشورهای ساحلی است. این موافقتنامه، جلوگیری از تصادم، حوادث و تضمین ایمنی دریانوردی کشتی های جنگی و ایمنی پرواز هواپیماهای نیروهای مسلح کشورهای ساحلی که آن سوی آبهای سرزمینی در دریای خزر و فضای هوایی برفراز آن فعالیت می کنند را دنبال می کند.

پ- همکاری در زمینه حفاظت از محیط زیست دریای خزر: پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و افزایش کشورهای ساحلی، محیط زیست منحصر به فرد دریای خزر با روند رو به رشد آلودگی و آلاینده های متعددی نفتی، صنعتی و کشاورزی و غیره مواجه شده که این روند به دلیل بسته بودن محیط دریای خزر و انباشت آلاینده ها، دریای خزر را درگیر گرفتاری اکولوژیکی نموده است. به منظور بررسی شرایط نامساعد و متزلزل محیط زیست دریای خزر و ضرورت حفاظت از این زیست بوم حیاتی جهان، برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (یونپ)^۱ و با مشارکت سایر سازمان های بین المللی در دهه ۹۰ میلادی هیاتی را به برخی از کشورهای حوزه دریای خزر اعزام نمود. در پی این اقدام و برگزاری نشست های متعدد کارشناسی در سطح منطقه، سرانجام، برنامه محیط زیست دریای خزر (سپ) در سال ۱۹۹۸ میلادی در رامسر تشکیل شد. این برنامه در سه مرحله و تا سال ۲۰۱۲ به میزبانی جمهوری آذربایجان، جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان و با کمک مالی بانک جهانی، تسهیلات جهانی محیط زیست، برنامه توسعه سازمان ملل متحد، برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و شرکتهای نفت و گاز فعال در منطقه، ادامه یافت. یکی از مهم ترین کارکردهای برنامه محیط زیست دریای خزر (سپ)، ابتکار تدوین یک چارچوب حقوقی جامع برای حفاظت از محیط زیست دریای خزر بود. در همین راستا، پیش نویس کنوانسیون برای آغاز مذاکرات میان کشورهای ساحلی خزر با هدف حفاظت از محیط زیست و تنوع زیستی آن توسط «یونپ» تهیه و به کشورهای ساحلی ارائه شد. مذاکرات برای نهایی کردن این سند، به مدت هشت سال طول کشید و سرانجام

^۱. United Nations Environment Programme

کنوانسیون چارچوبی حفاظت از محیط زیست دریایی دریای خزر در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۸۲ (۴ نوامبر ۲۰۰۳) در تهران به امضای نمایندگان ذیصلاح کشورهای ساحلی رسید. این سند که اولین سند حقوقی پنج‌جانبه راجع به مسایل دریای خزر محسوب می‌گردد و به «کنوانسیون تهران» معروف است، در تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۸۵ (۱۲ اوت ۲۰۰۶) با تصویب در مراجع داخلی کشورهای ساحلی، لازم‌الاجراء شده است. بنا به پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران، روز لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون تهران (۲۱ مرداد برابر با ۱۲ اوت) در تقویم سالانه کشورهای ساحلی دریای خزر، به عنوان روز دریای خزر نامگذاری شده است. مطابق مقررات کنوانسیون، کشورهای ساحلی دریای خزر تعهدات ذیل را در قبال محیط زیست دریای خزر انجام خواهند داد: اتخاذ کلیه اقدامات مناسب برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی‌دریای خزر به صورت فردی یا مشترک؛ اتخاذ کلیه اقدامات مناسب برای حفاظت، نگهداری و احیای محیط زیست دریای خزر به صورت فردی یا مشترک؛ استفاده از منابع دریای خزر به شکلی که موجب آسیب به محیط زیست دریایی دریای خزر نشود؛ همکاری با یکدیگر و با سازمانهای ذیصلاح بین‌المللی به منظور نیل به اهداف این کنوانسیون. همچنین از زمان لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون تهران تاکنون، پنج اجلاس طرفهای متعاقد کنوانسیون در سطح وزرای محیط زیست و مقامات عالی‌رتبه کشورهای ساحلی دریای خزر تشکیل شده است. در پایان کار هر اجلاس، بیانیه وزراء و تصمیمات اجلاس تایید و صادر شده است. یکی از موضوعات مهم کنوانسیون تهران که در رابطه با آن، هنوز توافق لازم به دست نیامده است، موضوع مقر دبیرخانه و ساختار مدیریت اداری و مالی کنوانسیون تهران است. در حال حاضر، دبیرخانه موقت کنوانسیون تهران در دفتر اروپایی «یونپ» در شهر ژنو سوئیس مستقر است. بعد از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون تهران، تدوین، مذاکرات و امضای چهار پروتکل ذیل انجام شده است: پروتکل آمادگی، واکنش و همکاری منطقه‌ای در مبارزه با سوانح آلودگی نفتی؛ پروتکل حفاظت از دریای خزر در برابر آلودگی ناشی از منابع و فعالیتهای مستقر در خشکی؛ پروتکل حفاظت از تنوع زیستی دریای خزر؛ پروتکل ارزیابی اثرات زیست محیطی فرامرزی.

- پروتکل آمادگی، واکنش و همکاری منطقه‌ای در مبارزه با سوانح آلودگی نفتی: پیش‌نویس این پروتکل با مشارکت یونپ و دبیرخانه موقت کنوانسیون تهران تهیه و مذاکرات میان کشورهای ساحلی آغاز شد. پس از پنج سال مذاکره میان کشورهای ساحلی، این پروتکل در سومین اجلاس طرفهای متعاقد کنوانسیون تهران در شهر اکتائو جمهوری قزاقستان در تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۹۰ (۱۲ اوت ۲۰۱۱) به امضای وزرای محیط زیست و

مقامات عالی رتبه کشورهای ساحلی دریای خزر رسید. طبق مقررات این پروتکل، کشورهای ساحلی در راستای نظام های ملی آمادگی و واکنش نسبت به نشت نفت، متعهد می شود که در صورت بروز نشت نفت اقدام هاتی مانند ارزیابی های ضروری در خصوص ماهیت، گستره و پیامدهای احتمالی سانحه آلودگی نفتی یا، حسب مورد، نوع و مقدار تقریبی نفت و جهت و سرعت گسترش نشت نفت؛ انجام هر اقدام عملی ممکن به منظور پیشگیری، کاهش و تا حد امکان و محو آثار سانحه آلودگی نفتی؛ نظارت بر آلودگی نفتی و مطلع ساختن سایر طرفهای متعاقد از تحولات مربوط به سانحه آلودگی نفتی و اقداماتی که به عمل آمده یا برنامه ریزی شده است؛ تشویق و حمایت از اجرای برنامه دریای خزر در زمینه همکاری منطقه ای جهت مقابله با آلودگی نفتی در موارد اضطراری را به عمل آورند. این پروتکل با طی مراحل تصویب در مراجع داخلی کشورهای ساحلی، در تاریخ ۴ مرداد ۱۳۹۵ (۲۵ جولای ۲۰۱۶) لازم الاجرا شد.

- پروتکل حفاظت از دریای خزر در برابر آلودگی ناشی از منابع و فعالیت های مستقر در خشکی: مذاکرات راجع به پیش نویس این پروتکل با مشارکت «یونپ»^۱، دبیرخانه موقت کنوانسیون تهران مستقر در شهر ژنو سوئیس و کشورهای ساحلی آغاز شد. پس از انجام مذاکرات طولانی، این سند در چهارمین اجلاس طرفهای متعاقد کنوانسیون تهران در تاریخ ۲۲ آذر ۱۳۹۱ (۱۲ سپتامبر ۲۰۱۲) در مسکو تایید و به امضای مقامات ذیصلاح کشورهای ساحلی خزر رسید. طرف های متعاقد، در راستای اجرای این پروتکل، اقداماتی از قبیل اعمال اصل پیشگیری که به موجب آن هر گاه تهدید آسیب جدی یا غیرقابل جبران به محیط زیست دریایی یا سلامت عمومی وجود داشته باشد؛ اعمال اصل پرداخت هزینه ها از سوی آلوده کننده، که بموجب آن هزینه های اقدامات پیشگیری، مهار و کاهش آلودگی باید از سوی آلوده کننده پرداخت شود؛ ترویج همکاری بین طرفهای متعاقد در ارزیابی آثار زیست محیطی؛ اجرای اقدامات پیشگیرانه برای به حداقل رساندن خطر آلودگی ناشی از حوادث صنعتی و بلایای طبیعی؛ اتخاذ تدابیر حفاظتی خاص در برابر آلودگی از منابع مستقر در خشکی؛ ترویج توسعه پایدار مناطق ساحلی از طریق رهیافتی یکپارچه نسبت به توسعه مناطق ساحلی؛ تلاش برای همکاری بر مبنای رضایت متقابل در دستیابی به اهداف این پروتکل با دولتهای غیرساحلی که بخشهایی از حوزه آبریز دریای خزر در قلمرو آنها واقع شده است. تصویب این پروتکل در مراجع داخلی کشورهای ساحلی خزر در جریان است.

^۱. UNEP

- پروتکل حفاظت از تنوع زیستی دریای خزر: دریای خزر زیستگاه بیش از ۸۵۰ گونه جانوری و ۵۰۰ گونه گیاهی است. برای حفاظت از گونه‌های زیستی در دریای خزر، متن پیش نویس سند فوق با پیشنهاد «یونپ» و دبیرخانه موقت کنوانسیون تهران مستقر در ژنو سوئیس و با مشارکت کشورهای ساحلی تدوین و مذاکرات آن آغاز شد. سرانجام با برگزاری مذاکرات متعدد کارشناسی، این پروتکل در پنجمین اجلاس طرفهای متعاقد کنوانسیون تهران در تاریخ ۹ خرداد ۱۳۹۳ (۳۰ می ۲۰۱۴) در شهر عشق آباد ترکمنستان به امضای مقامات عالی رتبه ذیصلاح کشورهای ساحلی دریای خزر رسید. اهداف این پروتکل عبارتند از: حمایت، حفاظت و احیای سلامت و یکپارچگی تنوع زیستی و زیست بوم دریای خزر، تضمین استفاده پایدار از منابع زیستی، حفاظت گونه‌های تهدید شده و زیست بوم‌های آسیب پذیر برای تضمین ماندگاری و تنوع زیستی آنها در دراز مدت؛ ممانعت از کاهش، تنزل و تخریب گونه‌ها، زیستگاه‌ها و سامانه‌های بوم‌شناختی در راستای اصل احتیاط؛ حمایت و حفاظت از آن دسته نواحی که به بهترین وجه، طیف وسیعی از گونه‌ها، زیستگاه‌های ویژه، سامانه‌های بوم‌شناختی و میراث‌های طبیعی و فرهنگی مربوطه را ارائه می‌دهند. تصویب این سند در دستور کار مراجع داخلی کشورهای ساحلی خزر قرار دارد.

- پروتکل ارزیابی اثرات زیست محیطی فرامرزی: پیش نویس این پروتکل نیز همانند سایر پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون تهران، بنا به پیشنهاد یونپ و دبیرخانه موقت کنوانسیون و مشارکت کشورهای ساحلی مذاکرات تهیه و مذاکره شد. این سند که یکی از مهم‌ترین اسناد تاثیرگذار در حفاظت از محیط زیست دریای خزر محسوب می‌گردد، بر ضرورت ارزیابی زیست محیطی حوزه گسترده‌ای از فعالیت‌های کشورهای ساحلی در حاشیه و در دریای خزر قبل از اجرای پروژه‌های بزرگ نظارت دارد. این سند به خاطر این از اهمیت برخوردار است که در اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای ساحلی دریای خزر در مسکو (دسامبر ۲۰۱۷) مقرر شده بود این پروتکل به عنوان پیش شرط امضای کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر و قبل از برگزاری پنجمین اجلاس سران خزر به امضای کشورهای ساحلی خزر برسد. با توافق کشورهای ساحلی، این پروتکل در اجلاس فوق‌العاده طرف‌های متعاقد کنوانسیون تهران در تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۹۷ (۲۰ جولای ۲۰۱۸) در شهر مسکو به امضای وزرای محیط زیست و مقامات عالی رتبه کشورهای ساحلی رسید. هدف از این پروتکل پیشگیری، کاهش و مهار آلودگی محیط زیست دریایی و اراضی آسیب پذیر به علت

نزدیکی به دریا و ارتقای حفاظت از تنوع زیستی و استفاده معقول از منابع طبیعی آن و حمایت از سلامت انسانی از طریق اجرای موثر و شفاف فرایندهای ارزیابی اثرات زیست محیطی هر نوع فعالیت پیشنهادی که ممکن است موجب اثرات مهم فرامرزی بر محیط زیست دریایی و همچنین اراضی که به علت نزدیکی با دریا دچار آسیب می شوند. مراحل تصویب این سند در مراجع داخلی کشورهای ساحلی دریای خزر جهت لازم الاجرا شدن آن در جریان است.

ج- همکاری در زمینه حفاظت از منابع زنده دریای خزر: مذاکرات برای تدوین اسناد حفاظت از منابع زنده دریای خزر بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و در سال ۱۹۹۲ کمیسیون منابع زنده دریای خزر به منظور تعیین سهمیه صید و صادرات انواع ماهیان خاویاری کشورهای ساحلی دریای خزر تشکیل شد. همزمان با افزایش صید بی رویه ماهیان خاویاری در دریای خزر و قاچاق گسترده خاویار و همچنین روند کاهشی ذخایر ماهیان خاویاری، موضوع تدوین سندی به منظور حفاظت از منابع زنده آبی خزر در دستورکار کمیسیون قرار گرفت. در این راستا، پیشنهادات متعددی توسط برخی از کشورهای ساحلی و همچنین برنامه محیط زیست دریای خزر (سپ) تهیه و مذاکرات مربوطه آن میان کشورهای ساحلی آغاز شد. طی مذاکرات طولانی میان نمایندگان ذیصلاح شیلاتی کشورهای ساحلی دریای خزر، پیشنهاد موافقتنامه حفاظت و استفاده بهینه از منابع زنده دریای خزر، نهایی و در چهارمین اجلاس سران خزر در آستراخان در سال ۲۰۱۴ به امضای مقامات ذیصلاح کشورهای ساحلی رسید. این سند در تاریخ ۴ خرداد ۱۳۹۵ (۲۴ می ۲۰۱۶) با تصویب در مراجع داخلی تمامی کشورهای ساحلی خزر، لازم الاجرا شده است.

بعد از لازم الاجرا شدن موافقتنامه، کمیسیون قبلی ملغی و ساختار جدیدی با عنوان کمیسیون حفاظت و استفاده بهینه از منابع زنده آبی دریای خزر و مدیریت ذخایر مشترک آن تشکیل شد. کمیسیون جدید تاکنون سه اجلاس به میزبانی جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران برگزار نموده است. در پایان هر اجلاس، پروتکلی با امضای نمایندگان کشورهای ساحلی خزر، صادر شده است. همچنین نظر به اهمیت حفاظت از انواع ماهیان خاویاری دریای خزر، در سومین اجلاس سران خزر در باکو در سال ۲۰۱۰، روسای جمهور کشورهای ساحلی برای مدت پنج سال، درخصوص ممنوعیت صید تجاری انواع ماهیان خاویاری توافق نمودند. این توافق، در پروتکل اجلاس های کمیسیون منابع زنده آبی دریای خزر نیز مورد تاکید قرار گرفته و تاکنون تمدید شده است. علاوه بر نفت و گاز، در این منطقه

بیش از ۱۰۰ گونه انواع آبزیان نیز زندگی می‌کنند. مهمترین آنها ماهیان خاویاری است که توسط اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت در فهرست "در معرض خطر جدی" قرار گرفته است. اکثر خاویار سیاه و قرمز جهان از دریای خزر استحصال می‌شود. دهه‌ها صید بی‌رویه و آلودگی گسترده محیط زیست دریای خزر، بخش ماهیگیری آنرا را تهدید می‌کند.

د- همکاری‌های اقتصادی و تجاری دریای خزر: پیشینه مذاکرات تدوین موافقتنامه همکاری‌های تجاری و اقتصادی دریای خزر بنا به توافقات مندرج در بیانیه چهارمین اجلاس سران خزر (آستراخان روسیه - ۲۰۱۴) به ابتکار ترکمنستان، پیش‌نویس موافقتنامه‌ای در زمینه همکاری‌های تجاری و اقتصادی در حوزه دریای خزر تهیه و به کشورهای ساحلی برای انجام مذاکرات مربوطه ارائه شد. مذاکرات این سند با حضور نمایندگان مراکز ذیصلاح کشورهای ساحلی و با میزبانی ترکمنستان آغاز و پس از چندین دور مذاکره، سرانجام با عنوان موافقتنامه همکاری تجاری و اقتصادی بین دولتهای ساحلی خزر، نهایی و در پنجمین اجلاس سران خزر (آکتائو ۲۰۱۸) به امضاء رسید. تصویب این موافقتنامه در مراجع داخلی پنج کشور ساحلی انجام شده است. مطابق مقررات این موافقتنامه، کشورهای ساحلی در حوزه‌های اجرای پروژه‌ها و برنامه‌های مشترک سرمایه‌گذاری؛ تبادل تجربه در زمینه ایجاد و توسعه مناطق ویژه، ویژه با اهداف خاص و آزاد اقتصادی؛ تبادل تجربه، مقررات ملی، استانداردها، قواعد و اطلاعات آماری در بخش تجاری و اقتصادی؛ همکاری در زمینه اقتصاد دیجیتال؛ توسعه همکاری میان مناطق و شهرهای دولتهای طرفها؛ تاسیس سرمایه‌گذاری‌های مشترک؛ مشارکت سازمانها، شرکتها و تجار در نمایشگاه‌های بین‌المللی با یکدیگر همکاری خواهند نمود. بعد از امضای این موافقتنامه، اولین اجلاس وزرای اقتصاد و تجارت کشورهای ساحلی دریای خزر در حاشیه اولین همایش اقتصادی خزر در شهذ بندری ترکمنباشی ترکمنستان در تاریخ ۱۱ اوت ۲۰۱۹ برگزار گردید. دومین همایش اقتصادی خزر در سال ۲۰۲۲ در روسیه برگزار می‌شود.

ذ- همکاری در زمینه تأمین ثبات و امنیت در دریای خزر: همزمان با آغاز مذاکرات مربوط به تدوین «کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر»، یکی از موضوعات مهمی که کشورهای ساحلی به آن توجه داشتند، موضوع تدوین اسنادی در زمینه مسائل امنیتی دریای خزر بود. این مهم را می‌توان در قالب ارائه طرح‌هایی توسط برخی از کشورهای

ساحلی با عناوینی همچون پیش نویس موافقتنامه تشکیل گروه عملیاتی برای تعامل میان نیروهای دریایی کشورهای ساحلی دریای خزر (کاسفور) توسط فدراسیون روسیه، پیش نویس پیمان سیاسی ثبات در دریای خزر توسط جمهوری قزاقستان و پیش نویس موافقتنامه اعتمادسازی و ثبات در دریای خزر توسط جمهوری اسلامی ایران مشاهده نمود. پیرو این پیشنهادات، در دومین اجلاس سران خزر (تهران ۲۰۰۷) توافق شد که سندی در زمینه تامین امنیت در دریای خزر تهیه و مذاکرات آن آغاز شود. به دنبال این توافق، جمهوری آذربایجان به عنوان میزبان اجلاس بعدی سران خزر، ملزم به تهیه پیش نویسی در زمینه مسایل و موضوعات همکاری های امنیتی در دریای خزر شد. این کشور، پیش نویس موافقتنامه مربوط به همکاری نهادهای مرزبانی، گمرکی و کشوری در راستای تامین امنیت دریای خزر را تهیه و به کشورهای ساحلی ارائه نمود. نظر به اهمیت موضوع، مذاکرات مربوط به این سند نیز همانند مذاکرات مربوط به پیش نویس «کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر»، در سطح معاونان وزرای امور خارجه و نمایندگان ویژه در امور دریای خزر کشورهای ساحلی (اعضای گروه کاری ویژه) آغاز شد. طی چندین دور مذاکره به میزبانی جمهوری آذربایجان، کشورهای ساحلی دریای خزر در خصوص سندی با عنوان «موافقتنامه همکاری در زمینه امنیت در دریای خزر»، توافق حاصل نمودند. این سند در سومین اجلاس سران خزر در شهر باکو در تاریخ ۲۷ آبان ۱۳۸۹ (۱۸ نوامبر ۲۰۱۰) به امضای روسای جمهور کشورهای ساحلی دریای خزر رسید. این سند، همکاری در تمامی ابعاد امنیت، به غیر از بعد نظامی امنیت را شامل می شود. با توجه به اینکه این موافقتنامه به عنوان یک سند چارچوبی است، توافق گردید در زمینه های مبارزه با تروریسم؛ مبارزه با جرایم سازمان یافته؛ مبارزه با نقل و انتقال غیرقانونی اسلحه از هر نوع و مهمات، مواد منفجره و سمی، تجهیزات نظامی؛ مبارزه با نقل و انتقال غیرقانونی مواد مخدر، روانگردان و پیش سازهای آنها؛ مبارزه با شستشوی عواید حاصله از جرم، از جمله پولشویی؛ مبارزه با قاچاق؛ تامین امنیت کشتیرانی دریایی و مبارزه با راهزنی دریایی؛ مبارزه با تجارت انسان و مهاجرت غیرقانونی؛ مبارزه با صید غیرقانونی منابع زنده؛ تامین ایمنی دریانوردی پروتکل های مربوطه آن تدوین شود. بعد از لازم الاجرا شدن این موافقتنامه در تاریخ ۹ تیر ۱۳۹۳ (۳۰ ژوئن ۲۰۱۴)، مذاکرات برای تدوین پروتکل های الحاقی به این موافقتنامه آغاز شد. تاکنون مذاکرات مربوط به تدوین سه پروتکل به شرح ذیل الحاقی به موافقتنامه همکاری در زمینه امنیت در دریای خزر نهایی و به امضای کشورهای ساحلی رسیده است و روند تصویب آنها در مراجع داخلی در جریان است:

- پروتکل همکاری و تعامل میان مراجع مرزبانی در دریای خزر: پیش‌نویس این پروتکل توسط فدراسیون روسیه تهیه و به سایر کشورهای ساحلی جهت بررسی ارائه گردید. با برگزاری چندین دور مذاکره میان نمایندگان مراجع مرزبانی کشورهای ساحلی به میزبانی این کشور، این اسناد نهایی و هم‌زمان با برگزاری پنجمین اجلاس سران دریای خزر (اکتائو ۲۰۱۸) به امضای مقامات ذیصلاح هر طرف رسید. مهم‌ترین اهداف این پروتکل شامل تبادل اطلاعات؛ برگزاری نشست در سطوح مرکزی و منطقه‌ای؛ برگزاری سمینار و جلسات آموزشی و تبادل تجربه؛ اجرای تدابیر توافق شده به منظور پیشگیری، کشف و مقابله با فعالیت‌های غیرقانونی در دریای خزر می‌باشد.

- پروتکل مبارزه جرائم سازمان یافته در دریای خزر: پیش‌نویس این پروتکل نیز از طرف جمهوری قزاقستان تهیه و مذاکرات مربوط به این پروتکل و پروتکل مبارزه با تروریسم به صورت هم‌زمان و به میزبانی جمهوری قزاقستان انجام شده است. با نهایی شدن مذاکرات، این سند در پنجمین اجلاس سران خزر (اکتائو ۲۰۱۸) به امضای وزرای مربوطه کشورهای ساحلی خزر رسید. اهداف این پروتکل شامل: جرایم علیه افراد شامل جرایم علیه حیات و سلامت انسان؛ جرایم مربوط به قاچاق انسان، به ویژه زنان و کودکان، و برداشت اندامهای انسان و بافتهای بدن برای پیوند و مهاجرت غیرقانونی؛ قاچاق غیرقانونی سلاح‌های گرم، مهمات، دستگاههای انفجاری، مواد منفجره و مواد سمی؛ جرایم در حوزه فعالیت اقتصادی؛ شامل مواردی که مربوط به قانونی سازی درآمد و عواید حاصله از جرم و پولشویی میشود؛ تولید و فروش ارز رایج جعلی، اسناد، اوراق بهادار، و همچنین کارتهای اعتباری یا پرداخت و دیگر اسناد پرداختی و با ارزش می‌باشد.

- پروتکل مبارزه با تروریسم در دریای خزر: پیش‌نویس این پروتکل توسط جمهوری قزاقستان تهیه و به سایر کشورهای ساحلی جهت انجام مذاکرات ارائه شد. پس از برگزاری چندین دور مذاکره، این سند نهایی و در پنجمین اجلاس سران خزر (اکتائو ۲۰۱۸) به امضای وزرای مربوطه هر یک از کشورهای ساحلی رسید. این سند اهدافی همچون تبادل اطلاعات؛ برگزاری نشستهای کاری و رایزنی‌ها؛ انجام تمرین‌های توافق شده و کارگاه‌های آموزشی؛ انجام اقدامات توافق شده و هماهنگ به منظور پیشگیری، شناسایی و مقابله با فعالیت‌های غیرقانونی با ماهیت تروریستی و پیامدهای آن را دنبال می‌کند.

ر- همکاری در زمینه کنترل نوسانات سطح آب و هواشناسی دریای خزر: همکاری در زمینه نوسانات سطح آب و هواشناسی دریای خزر هم جزو اولین موضوعات همکاری میان کشورهای ساحلی بود. بدین منظور، کمیته هماهنگی آب و هواشناسی و مراقبت محیط زیست دریای خزر (کاسپکام) با مشارکت نهادهای ذیصلاح ملی کشورهای ساحلی دریای خزر، در سال ۱۹۹۴ تشکیل شد. یکی از کارکردهای این کمیته، تدوین موافقتنامه ای در زمینه آب و هواشناسی در دریای خزر بود. سرانجام با انجام مذاکرات مربوطه میان کشورهای ساحلی، «موافقتنامه همکاری درخصوص آب و هواشناسی در دریای خزر» در چهارمین اجلاس سران خزر (آستراخان ۲۰۱۴) به امضای مقامات مربوطه رسید. این موافقتنامه، اهدافی مانند: اعمال استانداردهای بین المللی شناخته شده سازمان جهانی هواشناسی (کمیسسیون بین دولتی اقیانوس شناسی و سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد) برای روش های دیده بانی ویژگی های آب و هواشناسی؛ ایجاد الزامات یکپارچه برای سامانه های ملی در زمینه جمع آوری، ذخیره سازی و توزیع اطلاعات مربوط به وضعیت دریای خزر؛ تهیه اطلاعات مرجع حاوی داده های تفصیلی در مورد وضعیت دریای خزر؛ طراحی و گردآوری پایگاه داده های دیده بانی ویژگی های مربوط به وضعیت دریای خزر؛ تعیین اصول اولیه سامانه مشترک اطلاعات زمینی که نشان دهنده اطلاعات وضعیت دریای خزر باشد؛ ارتقای روش های پیش بینی وضعیت دریای خزر شامل پیش بینی های نوسانات سطح آب دریای خزر با فاصله زمانی متفاوت؛ ارتقای روش های ارزیابی و تجزیه و تحلیل جامع اجزاء تشکیل دهنده تراز آب دریای خزر را دنبال می کند. با لازم الاجرا شدن این موافقتنامه در تاریخ ۱۱ بهمن ۱۳۹۴ (۳۱ ژانویه ۲۰۱۶) کمیته هماهنگی قبلی با عنوان جدید «کمیته هماهنگی آب و هواشناسی دریای خزر»، به فعالیت خود ادامه می دهد. اجلاس های این کمیته، هر ساله با هدف اجرای مفاد این موافقتنامه، تشکیل می گردد. نتایج اجلاس ها، در قالب توصیه نامه ها صادر و به توافق کشورهای ساحلی می رسد (هاشمی، ۱۳۹۹: ۶۶-۵۵).

ز- کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر: با در نظر گرفتن شرایط جدید ژئوپلیتیک منطقه دریای خزر پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و با توجه به ضرورت تدوین رژیم حقوقی جدید دریای خزر نشست های متعددی در سطوح مختلف از جمله در سطح مدیران کل حقوقی وزارت خارجه های کشورهای ساحلی دریای خزر از سال ۱۹۹۲ میلادی برگزار شده بود ولی هیچ کدام از این اجلاس ها به دلیل نداشتن اختیارات لازم به نتیجه

نرسیدند. نهایتاً وزرای امور خارجه کشورهای ساحلی در نوامبر سال ۱۹۹۶ در عشق آباد تصمیم گرفتند، "گروه کاری ویژه تدوین کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر" در سطح معاونین وزرای امور خارجه کشورهای ساحلی و نمایندگان ویژه در امور دریای خزر تشکیل شود. این گروه از سال ۱۹۹۶ لغایت ۲۰۱۸ میلادی طی پنجاه و پنج نشست به علاوه دوازده اجلاس در سطح وزرای امور خارجه و پنج اجلاس در سطح روسای جمهور، پیش نویس "کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر" را نهایی و آماده نمود و نقش بسیار مهم و تعیین کننده‌ای در تدوین کنوانسیون ایفا نمود. در این روند دیدار متناوب وزرای امور خارجه کشورهای ساحلی به خصوص رایزنی وزرای امور خارجه ایران و روسیه در نهائی کردن پیش نویس کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر بسیار تعیین کننده بوده است. این کنوانسیون مشتمل بر ۲۴ ماده در پنجمین اجلاس سران خزر در تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ (۱۲ اوت ۲۰۱۸) در قزاقستان به امضاء رسید. این کنوانسیون هنوز لازم الاجراء نشده است. این کنوانسیون به مثابه قانون اساسی دریای خزر با تعیین چارچوب کلی همکاری‌ها میان کشورهای ساحلی و با هدف توسعه و تقویت همکاری میان طرفها و تسهیل پیشرفت و همکاری در دریای خزر، فضای مثبت و بسترهای لازم را برای تقویت همگرایی و همکاری میان کشورهای ساحلی فراهم کرده است.

نتیجه

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و افزایش کشورهای حاشیه دریای خزر، شرایط ژئوپلیتیک جدیدی پیرامون دریای خزر بوجود آمد و مناسبات ایران و روسیه در خصوص مسائل دریای خزر هم دچار تغییر اساسی گردید. شکل گیری کشورهای جدید در حاشیه دریای خزر و تلاش قدرت های بزرگ و شرکت های بزرگ نفتی برای حضور و سرمایه گذاری در دریای خزر، اوضاع دریای خزر را پیچیده تر نمود. در این شرایط، گسترش روابط و تعامل نزدیک ایران و روسیه برای مدیریت شرایط جدید ژئوپلیتیک و تعیین رژیم حقوقی دریای خزر خاص برای این دریا از اهمیت برخوردار بوده است. اگرچه در نخستین سال های پس از فروپاشی شوروی سابق به دلیل اولویت بالای روابط با غرب نزد مقامات کرملین، مسکو جایگاه مناسبی برای ایران و منطقه دریای خزر قائل نبود، ولی به تدریج از اوائل سال ۲۰۰۰ میلادی توجه ویژه به دریای خزر و گسترش تعامل با ایران در اولویت سیاست خارجی روسیه قرار گرفت. همچنین گسترش تعامل با مسکو در اولویت سیاست خارجی ایران قرار داشته است.

سیاست های دو کشور در خصوص مسائل دریای خزر در بیش از سی سال گذشته بیشتر با هم همگرا بوده؛ زیرا ایران و روسیه با درک شرایط جدید ژئوپلیتیک و با در نظر گرفتن پیوستگی جغرافیائی، الزامات درون منطقه‌ای، سرنوشت مشترک کشورهای ساحلی و آسیب پذیری دریای خزر ناشی از امکان حضور قدرت های بزرگ و نگرانی از بروز بی ثباتی در دریای خزر، به این نتیجه رسیده اند که همکاری فیمابین در قبال مسائل دریای خزر یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. ضمن اینکه همسوئی و همگرایی سیاست های دو کشور به گسترش همکاری های پنج جانبه در دریای خزر و انعقاد اسناد مختلف همکاری پنج جانبه در خصوص مسائل دریای خزر منجر شده است. دو کشور از ابتدا مصمم بوده اند که نباید اجازه دهند دریای خزر به یک منطقه جدید تنش تبدیل شود، لذا سیاست های ایران و روسیه در قبال دریای خزر با هدف ایجاد سازوکارهای قانونی مناسب برای گسترش همکاری های پنج جانبه در دریای خزر، نظامند کردن همکاری ها و تدوین یک رژیم حقوقی خاص برای این دریا بوده است. تمامی این اهداف در کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر هم قید شده است. همسوئی و همگرایی سیاست های ایران و روسیه در قبال مسائل دریای خزر موجب تقویت صلح ثبات و امنیت در دریای خزر و گسترش همکاری های پنج جانبه در دریای خزر شده است. این همسوئی موجب مدیریت تحولات دریای خزر، تعمیق بیشتر همکاری پنج جانبه و تحکیم صلح و ثبات و امنیت در دریای خزر می شود و بر سایر موضوعات همکاری های منطقه ای هم تاثیرات مثبت می گذارد و مانع از تبدیل دریای خزر به یک منطقه جدید تنش می گردد.

منابع و مأخذ

فارسی

- امیراحمدیان، بهرام، گودرزی، مهناز (۱۳۸۹)، *دریای خزر منافع روسیه و امنیت ایران*، نشر قومس، ص ۱۱۱.
- بهمنی، ناصر (۱۳۸۹)، *آخرین تحولات رژیم حقوقی دریای خزر و مواضع جمهوری اسلامی ایران*، انتشارات شلفین، ص ۸.
- بیژنی، مهدی (۱۳۸۱)، *خزر و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران*، مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی نیروی دریائی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نشر سایه روشن، ص ۱۳۴.
- برزگر، کیهان (۱۴۰۰)، «زنجیره اتصال منطقه ای» *روزنامه شرق*، شماره ۴۱۴۲ مورخ ۲۲ آبان ۱۴۰۰.

حسینی، سید محمد حسین، شیراوند، صادم (۱۳۹۸). *ژئوپلیتیک حوزه خزر و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، انتشارات دافوس. ص ۱۳۷.

سیمبر، رضا، افشاریان، کیوان (۱۳۹۹). «تبیین دستور کار همگرایی منطقه دریای خزر با تأکید بر وابستگی متقابل»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۱۰۹. ص ۷۵-۷۷.

صمدزاده صابر، مجید، حافظ نیا، محمد رضا، احدی پور، زهرا (۱۳۹۹). «تکامل و عقلانیت ژئوپلیتیک منطقه خزر: استقرار رژیم حقوقی و الگوی رفتاری تعامل و همگرایی»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۱۱۱. ص ۹۰.

کولایی، الهه، نوری، علیرضا (۱۳۸۹). «عمل‌گرایی پوتین و تغییر در رویکردهای سیاست خارجی روسیه»، *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۱۴. ص ۱۰-۱۱.

ممتاز، جمشید، میرزائی ینگجه، سعید (۱۳۸۰). «رژیم حقوقی دریای خزر: دیدگاه‌های ایران»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۳۵. ص ۱۰-۱۳.

موسسه مطالعات بین‌المللی دریای خزر (۱۳۸۷). «روابط ایران و روسیه: همکاری در دوره پسا همسایگی»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۶۱. ص ۲۲.

موسوی، سید رسول (۱۳۸۸). «آینده دریای خزر»، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۶۵، ۶۷-۶۸.

نجفی اسفاد، مرتضی (۱۳۹۳). *دریای خزر: سیاست، انرژی و امنیت*، انتشارات خرسندی، ص ۳۴۹.

هاشمی، غلامرضا (۱۳۹۹). *پیشینه مذاکرات و اسناد پنج‌جانبه دریای خزر*، تهران، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه. ص ۵۵-۶۶.

لاتین

Caspian Policy Center, (March 2020) "A New Caspian Policy for the New Administration", Available at: <https://www.caspianpolicy.org/a-new-caspian-policy-for-the-new-administration>.

Caspian Policy Center, (November 2020) "Six Recommendations for the Biden Administration's Caspian Policy", Available at: <https://www.caspianpolicy.org/six-recommendations-for-the-biden-administrations-caspian-policy>.

Greenwood, Phoebe (2018), "Landmark Caspian Sea Deal Signed by Five Coastal Nations", **The Guardian**, P.1, Available at: <https://www.theguardian.com/world/2018/aug/12/landmark-caspian-sea-deal-signed-among-five-coastal-nations>, Accessed on: 12 August 2019.

Modern Diplomacy, (2019) "potential-for-development-of-caspian-states-cooperation" Available at: <https://moderndiplomacy.eu/2019/12/18/> n/, Accessed on: 05 September 2020.

Müller Daniel and Ketevan Betaneli (2018), "The New Convention on the Legal Status of the Caspian Sea: New Opportunities and New Challenges", **Freshfields Bruckhaus Deringer**, P.4, Available at:

<https://riskandcompliance.freshfields.com/post/102f4ts/the-new-convention-on-the-legal-status-of-the-caspian-sea-new-opportunities-and>, Accessed on: 25 April 2019.

Orazgaliyev, S., & Araral, E. (2019), "Conflict and Cooperation in Global .

Commons: Theory and Evidence from the Caspian Sea”, *International Journal of the Commons*, P.974, Available at: <https://www.readcube.com/articles/10.5334/ijc.914>, Accessed on: 20 February 2020.

<https://www.adb.org/publications/barriers-solutions-economic-integration-caspian-sea-countries>, Barriers and Solutions to Economic Integration of Caspian Sea Countries, Publication | April 2020, Available at:

<https://www.adb.org/sites/default/files/publication/579731/adbi-wp1108.pdf> Accessed on: 20 October 2020.

- Momtaz, Djamshid (2018), “ Le Statut Juridique De Mer Caspienne: La Convention D’aktau Du 12 Aout 2018”, *Annuaire Francais De Droit International* LXIV-2018-Cnrs Edition, Paris. P 14.

Pritchkin, Stanislav (2019), “Russia’s Caspian Policy”, *Russian Analytical Problems*, University of Dundee, P.607, Available at:

https://www.zaoerv.de/55_1995/55_1995_2_a_604_623.pdf, Accessed on: 12 March 2020.

Saivetz, Carol (2000), “Putin’s Caspian Policy”, Belfor Center, Available at: <https://www.belfercenter.org/publication/putins-caspian-policy>.

Tafazzoli, Bijan (2021), “Iran and Russia in the Caspian; real allies”, Available at: <https://www.aa.com.tr/en/analysis/opinion-iran-and-russia-in-the-caspian-real-allies/2352308>.

Weitz, Richard (2021), “Tehran and Moscow :Alignment and Divergence in the Caspian”, Available at: <https://mei.edu/publications/tehran-and-moscow-alignment-and-divergence-caspian>.